

Mapping the privatization success model in the Islamic Republic of Iran

Shahu Rastegari | Asadollah Babaei Fard | Mohsen Niazi

Research Paper

Received:
25 August 2024
Accepted:
06 November 2024

Abstract

Proponents of the market economy believe that the process of handing over large state-owned companies to the private sector through the sale of shares will prevent the wastage of financial resources and lead to improved efficiency, improved performance due to shareholder pressure, increased competition and ultimately increased income. The implementation of this policy in different countries of the world has produced different results (from absolute failure to absolute success). The purpose of this is to map the success model of privatization in the Islamic Republic of Iran with the method of structural-interpretive analysis. This research in terms of practical purpose and in terms of method is a combination of documentary and survey methods and in terms of nature; It is analytical and exploratory. By using privatization, governments seek to increase revenues, increase efficiency, create competition in the product market, and oblige state-owned companies to comply with capital market laws. By reviewing the theoretical and empirical research literature and in-depth interviews with the elites of the work and production society (labor activists, small business owners, government bureaucrats, experts in the field of work, executive and academic experts, and journalists-journalists) and using the interpretive structural modeling technique. The relationships between these indicators and their effectiveness were determined. The results of the research showed that the variables of usurpation of the unproductive sector, obesity, rule of law, business environment, resource paradox, democratization, public trust and planning are important for the success of the privatization program in the Islamic Republic of Iran.

DOR: ...

Keywords: privatization; work and production society; Interpretive structural analysis method; Mac software; Success mode.

نگاشت مدل موفقیت خصوصی سازی در جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل ساختاری - تفسیری

شاهو رستگاری^۱ | اسدالله بابایی فرد^۲ | محسن نیازی^۳

چکیده

طرفداران اقتصاد بازار براین باورند که فرایند واگذاری شرکت‌های بزرگ دولتی از طریق فروش سهام به بخش خصوصی، از هدررفت منابع مالی جلوگیری و منجر به بهبود کارایی، بهبود عملکرد به واسطه فشار سهامداران، افزایش رقابت و افزایش درآمد خواهد شد. پیاده‌سازی این سیاست در کشورهای گوناگون جهان نتایج متفاوتی (از شکست مطلق تا موفقیت مطلق) را رقم زده است. هدف از انجام این پژوهش نگاشت مدل موفقیت خصوصی سازی در جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل ساختاری - تفسیری است. این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش ترکیبی از روش‌های اسنادی و پیمایشی و از نظر ماهیت: تحلیلی و اکتشافی است. با مرور ادبیات نظری و تجربی پژوهش و مصاحبه عمیق با نخبگان جامعه کار و تولید (فعالان کارگری، صاحبان کسب و کارهای کوچک، بوروکرات‌های دولتی، متخصصان حوزه کار، متخصصان اجرایی و دانشگاهی و روزنامه‌نگاران) و با استفاده از تکنیک مدلسازی ساختاری تفسیری روابط میان این شاخص‌ها و اثرگذار یا اثرپذیر بودن آن‌ها تعیین گردید. نتایج تحقیق نشان داد که متغیرهای استیلاء بخش نامولد، فریبگی دولت، نظارت‌ناپذیری، حاکمیت قانون، فضای کسب و کار، پارادوکس منابع، دموکراتیزاسیون، اعتماد عمومی و برنامه‌ریزی برای موفقیت برنامه خصوصی سازی در جمهوری اسلامی ایران دارای اهمیت می‌باشند.

کلید واژه‌ها: خصوصی سازی، جامعه کار و تولید، روش تحلیل ساختاری تفسیری، نرم افزار میک مک

DOI:

shahorastegari@gmail.combabaiefard@kashanu.ac.irniazi@kashanu.ac.ir

۱. نویسنده مسئول: دکتری جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان، ایران

۳. استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

مقدمه و بیان مسئله

کشورهای در حال توسعه جهان با بهره گیری از آموزه های نئولیبرالیسم (با رهبری بانک جهانی و صندوق بین المللی پول) با کاهش کنترل و دخالت دولت و همچنین افزایش اهمیت بازارهای داخلی، به بازسازی ساختار اقتصادی خود پرداخته اند. دولت ها شرکت های تحت مالکیت خود را خصوصی کرده اند، به منظور تسهیل جریان مالی خصوصی، بازار سهام (بورس) تاسیس کرده اند، از نظام بانکی مقررات زدایی کرده و به حذف طرح ها و برنامه هایی پرداخته اند که باعث تقویت صنایع داخلی و حمایت عمومی از آنها شده است. روند آزادسازی اقتصاد در اوایل دهه ۱۹۸۰ به دنبال آشکار شدن عدم کارایی شرکت ها و موسسات دولتی، برنامه خصوصی سازی در راس سیاست های اقتصادی جهان قرار گرفت و دولت ها با هدف استفاده از مکانیزم و ابزارهای بخش خصوصی در جهت افزایش کارایی، مطلوبیت، سوددهی و کاهش هزینه های تولید واحدهای دولتی اقدام به خصوصی سازی آنها کردند (پروکوپنکو، ۱۳۸۰: ۱۱). دولت ها با استفاده از خصوصی سازی در جستجوی افزایش درآمدها، افزایش کارایی، کاهش دخالت در اقتصاد، افزایش تنوع مالکیت، ایجاد رقابت در بازار محصولات و ملزم کردن شرکت های دولتی به رعایت قوانین بازار سرمایه هستند (مگینسون و نتر، ۲۰۱۱). البته باید توجه داشت که منظور از خصوصی سازی، اختصاصی سازی نیست که در آن اموال عمومی، به نفع عده خاصی به یغما برده شود، بلکه منظور از خصوصی سازی، کاستن از بار مالی دولتی و آزادسازی منابع عمومی، افزایش کارایی و بهره وری منابع مادی و انسانی و در نهایت تشویق و گسترش مشارکت شهروندان در فعالیت های اقتصادی است (اسدینا و دیگران، ۱۳۹۵). گستف سان و مک لین خصوصی سازی را نه تنها ابزاری برای تغییر ساختار اقتصاد و توسعه نقش واحدهای خصوصی و افزایش رقابت، بلکه زیربنای ضروری برای توسعه و رشد اقتصادی می دانند (گستف سان و مک لین، ۲۰۰۲: ۱).

علی رغم مخالفت های زیاد در آغاز خصوصی سازی، تجربه ی خصوصی سازی عموماً در کشورهای توسعه ی یافته موفقیت آمیز بوده است. از طرف دیگر، تجربه خصوصی سازی در بیشتر کشورهای در حال توسعه خیلی متنوع نبوده، به طوری که فروش شرکت های دولتی نتایج امیدوارکننده ای را در بر نداشته است (الریبی، ۲۰۰۳). معمولاً گفته می شود شرکت های دولتی به دلیل عدم انگیزه مدیران و کارکنان و فقدان نظام ارزیابی عملکرد از کارایی و بازدهی پایینی برخوردارند. عدم استقرار نظام نظارتی و حسابرسی قوی و پویا و ضعف ساختاری قوانین و مقررات مربوط به حاکمیت شرکتی در شرکت های دولتی به کارایی کمتر و بازدهی نامناسب منجر شده است که تأیید یا رد این نظر نیازمند بررسی و تحقیق است (تاری و حنیفی زاده، ۱۳۹۱).

فیلیپ آلستون؛ گزارشگر سازمان ملل، استدلال می‌کند که خصوصی‌سازی عمدتاً به‌عنوان راه‌حلی فنی برای مدیریت منابع و کاهش کسری بودجه ارائه می‌شود اما در حقیقت بخش جدانشدنی از یک فلسفه‌ی اقتصادی و اجتماعی حکمرانی است. خصوصی‌سازی اغلب مستلزم حذف نظام‌مند حفاظت‌های حقوق بشری و به حاشیه‌راندن منافع کم‌درآمدها و کسانی است که در فقر زندگی می‌کنند. روشن است که سازوکارهای پاسخگویی موجود حقوق بشری برای بررسی چالش‌هایی که خصوصی‌سازی گسترده و در مقیاس بزرگ پدید آورده کافی نیست. برخی کشورها با بازنگری بنیادین در روند خصوصی‌سازی، در حال بازواگذاری خدمات اساسی نظیر انرژی، آموزش، بهداشت، حمل‌ونقل، خدمات اجتماعی به بخش عمومی هستند (آلستون؛ ۲۰۱۸: ۳).

در دو دهه گذشته خصوصی‌سازی بعنوان یک سیاست مهم اقتصادی برای دستیابی به توسعه اقتصادی مطلوب، کاهش هزینه‌های گزاف تولید و رهایی از عملکرد ناکارای شرکت‌های دولتی مورد پذیرش از سال ۱۳۶۸ بوده است، لیکن این امر از سال ۱۳۷۹ با تشکیل سازمان خصوصی‌سازی و ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی توسط مقام معظم رهبری و تصویب قانون اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی بصورت جدی مورد توجه قرار گرفت (عطااللهی و دیگران، ۱۴۰۰). غفاری و دیگران (۱۳۹۸) استدلال کرده‌اند که دولت رانتیر در ایران پس‌انقلاب از طریق دو مؤلفه افزایش حجم بودجه عمومی دولت و افزایش مقررات‌گذاری، در تلفیق با اصل ۴۴ قانون اساسی، اندازه دولت را در اقتصاد بزرگ کرده است و در نتیجه، منجر به ناکامی خصوصی‌سازی شده است. خصوصی‌سازی در ایران در یک چرخه معیوب و متناقض افتاده است؛ چراکه این سیاست به صورت همزمان و در عین بازتولید دولت رانتیر و موانع نهادی مسبب گسترش بخش دولتی، در حال اجرایی شدن است.

ایران پس از پایان جنگ به طور جدی تلاش کرد با این موج جهانی همراهی کند. کوچک کردن دولت، رفع تصدی‌گری از دولت، حمایت از بخش خصوصی و ایجاد فضای رقابتی کلیدواژه‌هایی است که بارها توسط مسئولان و در سیاست‌گذاری‌ها به کار رفته تا خصوصی‌سازی را به سرمنزل مقصود برساند (بهداد و نعمانی، ۱۳۹۳: ۱۹). کارخانه‌هایی که با قیمت پایین و در روندهای شتابزده و بعضاً شبه‌انگیز به افراد و گروه‌های خاص سپرده شد و مالکان جدیدی که اغلب به جای تداوم تولید و افزایش دادن بهره‌وری؛ کارگران را اخراج کردند، زمین کارخانه را فروختند و هم هزینه‌های اضافی بر تولید کشور تحمیل و هم صندوق‌های بیمه‌ها را به عنوان نهاد پشتوانه نیروی کار با محدودیت‌های منابع روبه‌رو کردند (مومنی و حاجی میرزایی، ۱۳۹۵: ۲۳۶). واگذاری بیش از ۱,۳۰۰,۰۰۰ میلیارد ریال

از سهام شرکت های دولتی به بخش غیردولتی در سال های اخیر (از سال ۱۳۸۲ لغایت ۱۳۹۳)، سهم قابل توجهی از سهام در اختیار دولت را به بخش غیردولتی منتقل کرده است (سایت سازمان خصوص سازی، www.ipo.ir).

در سال های اخیر تجربه خصوصی سازی در شرکت هایی مانند نیشکر هفت تپه، آلومینیوم المهدی، ماشین سازی تبریز، آذرآب، هپکو، ماشین سازی و ... نه تنها موفق نبوده بلکه تبدیل به یک مسئله مهم در حوزه های اقتصاد، سرمایه اجتماعی و امنیت ملی شده که مصادیق آن را می توان در تعطیلی واحد تولیدی، بیکاری کارگران، تعدیل نیرو و کاهش تولید، تجمع های کارگری و بحران های مالی و اجتماعی دید و این یعنی مسیر خصوصی سازی و روندهای اجرایی آن نیاز به بازنگری و اصلاح دارند. محمد مساعد در گزارشی با عنوان «زمستان خصوصی سازی» درباره سرنوشت صد شرکت نخست دولتی واگذار شده به بخش خصوصی، نشان می دهد برخلاف ادعای مدافعان خصوصی سازی در طول سه دهه گذشته، شرکت های دولتی واگذار شده به سمت پویایی و سودآوری حرکت نکرده اند. از میان صد شرکت بررسی شده ۱۶ شرکت یا به کلی تعطیل شده اند یا در عمل تعطیل هستند. ۶ شرکت در وضعیت نیمه تعطیل به سر می برند و فعالیت خاصی ندارند. ۲۹ شرکت دیگر نیز دچار مشکلات جدی هستند. این مشکلات که شامل تولید با ظرفیت کمتر از توان بالقوه، کاهش تولید، مشکلات بازار و ... می شود، در این شرکت ها پررنگ تر از دیگر شرکت ها بوده و هر کدام از این شرکت ها در دهه های اخیر بین وضعیت نیمه تعطیل و فعالیت کامل در نوسان بوده اند. در این بین بخشی از ۴۹ شرکتی نیز که در حال فعالیت مطلوب هستند، به پشتوانه مالی هلدینگ یا نهادی که به آن وابسته اند، متکی هستند یا فی نفسه بازار انحصاری و مناسبی دارند. حداقل در ۶۲ شرکت مشکلات جدی کارگری گزارش شده است. این مشکلات کارگری شامل تعدیل شدید نیرو، اخراج جمعی کارگران، پرداخت نکردن دستمزد کارگران برای ماه های پیاپی، و مشکلات قراردادی می شود (مساعد، ۱۳۹۷: ۲۵).

۱- مبانی نظری و پیشینه پژوهش:

خصوصی سازی از جمله باورهای کلیدی معتقدان به اقتصاد بازار آزاد است که با استدلال هایی مانند افزایش کارآمدی، ایجاد فضای رقابتی و مقابله با انحصار دولت مطرح می شود. خيونگ (۲۰۲۴) با تاکید بر تاثیر مثبت اصلاحات خصوصی سازی در چین در فاصله سال های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۷ بر روی شاخص های اقتصادی این کشور بر این باور است که در غیاب این سیاست ها رشد بهره وری ۶۰ درصد و درآمد صادراتی ۱۲ درصد کاهش پیدا می کرد. تجربه تاریخی چند دهه اخیر نشان داده که هرگاه

کشوری خواسته از قافله جهانی سازی نولیبرالی عقب نماند، اول از همه خصوصی سازی واحدهای تولیدی بزرگ را اجرایی کرده است (سیف، ۲۰۲۱). ایران پس از پایان جنگ به طور جدی تلاش کرد با این موج جهانی همراهی کند. کوچک کردن دولت، رفع تصدی گری از دولت، حمایت از بخش خصوصی و ایجاد فضای رقابتی کلیدواژه‌هایی است که بارها توسط مسئولان و در سیاست-گذاری‌ها به کار رفته تا خصوصی سازی را به سر منزل مقصود برساند (بهداد و نعمانی، ۱۳۹۳: ۱۹). کارخانه‌هایی که با قیمت پایین و در روندهای شتابزده و بعضاً شبه-انگیز به افراد و گروه‌های خاص سپرده شد و مالکان جدیدی که اغلب به جای تداوم تولید و افزایش دادن بهره‌وری، کارگران را اخراج کردند، زمین کارخانه را فروختند و هم هزینه‌های اضافی بر تولید کشور تحمیل و هم صندوق-های بیمه‌ها را به عنوان نهاد پشتوانه نیروی کار با محدودیت‌های منابع روبه‌رو کردند (مومنی و حاجی میرزایی، ۱۳۹۵: ۲۳۶). کارگرانی که فاقد امنیت شغلی هستند و برخی از آنان ماه‌هاست حقوقشان را دریافت نکرده‌اند، تولیدی که در رکود به سر می‌برد و منابع بیمه‌ای که هر روز کمتر از گذشته می‌شود شرایط بحران‌خیزی را به وجود آورده که برای تحلیل آن نیازمندیم پا به میدان واقعیت خصوصی سازی در ایران بگذاریم.

مناقشه نظری در خصوص بحث خصوصی سازی، اختلاف نظر بر سر نقش مناسب دولت در اقتصاد سرمایه داری بوده است. طرفداران خصوصی سازی؛ دولت را به عنوان یک نیروی غیر ضروری و پرهزینه بر روی یک سیستم کارآمد می‌دانند. منتقدان؛ دولت را به عنوان یک بازیگر مهم در سیستمی می‌دانند که در آن کارآمدی تنها یکی از اهداف متنوعی است که امکان وجود دارد. دیدگاه سومی نیز وجود دارد: مسئله صرفاً خصوصی یا عمومی بودن مالکیت نیست. در عوض، سوال کلیدی این است که تحت چه شرایطی احتمال بیشتری وجود دارد که مدیران به نفع عموم عمل کنند. بحث در مورد خصوصی سازی باید در یک زمینه بزرگتر مورد بررسی قرار گیرد و بیشتر بر اساس بحث اخیری که در بخش خصوصی بر سر ادغام و تملک موج زده است، بازنگری شود. مانند موضوع ادغام و تملک، خصوصی سازی شامل جابجایی مجموعه‌ای از مدیرانی است که سهامداران به آنها اعتماد دارند - شهروندان - با مجموعه دیگری از مدیران که ممکن است به مجموعه‌ای از سهامداران متفاوت پاسخ دهند.... درس‌های حاصل از این تجربه مستقیماً در بحث خصوصی سازی قابل استفاده است: مسئولیت‌پذیری مدیریتی در قبال منافع عمومی بیشترین اهمیت را دارد، نه شکل مالکیت (گودمن و لو من، ۱۹۹۱). خصوصی سازی به معنای تغییر مدیریت، تعهدات و ارزیابی‌ها از سازمان‌های دولتی و

واگذاری آنها به سازمان‌های خصوصی است و بحث خصوصی سازی به ویژه در پدیده جهانی شدن، اهمیت مضاعفی پیدا کرده است (بوم و کوپر، ۲۰۱۸: ۱۰۲). خصوصی سازی کاهش نقش دولت در ارائه خدمات، کاهش یارانه‌های دولتی و مقررات زدایی بیشتر و انتقال خدمات از بخش دولتی به بخش خصوصی است (بری، ۲۰۰۲: ۲۱۱-۲۰۱). پارکر^۳ (۲۰۲۴) با نقد الگوی عام نئولیبرالیسم در خصوصی سازی شبکه‌های بهداشت و سلامت روان، از عقب نشینی دولت شیلی در ارائه خدمات سلامت به جمعیت ۳۰ میلیونی ساکن در مناطق حاشیه نشین انتقاد کرده و نشان می‌دهد که چگونه این سیاست‌ها به بازتولید فقر کمک کرده‌اند. بیگاتن^۴ و کلیگ^۵ (۲۰۲۴) با بررسی تطبیقی تاریخی روند خصوصی سازی در کشورهای الجزایر، مراکش و تونس در فاصله سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۷ بر تاثیر نهادهای گوناگون حاکم بر جوامع در موفقیت یا شکست سیاست خصوصی سازی تاکید می‌کنند. آن‌ها با تمرکز بر روی عواملی نظیر تاریخ سیاسی، ساختار احزاب سیاسی، سیاست‌های اقتصادی، حوزه‌های خصوصی سازی، حکمرانی خوب، رویکرد به خصوصی سازی و مدیریت بحران‌های خصوصی سازی به تعادل ظریف بین پیگیری رهبران سیاسی از اهداف سیاست عمومی و آرمان خصوصی سازی برای به حداکثر رساندن ثروت سهامداران منطبق با شرایط زمینه‌ای هر کشور معین توصیه می‌کنند.

پس از خصوصی سازی اداره فعالیت‌های تصدی دولتی می‌بایست از سوی بخش خصوصی انجام گیرد و خصوصی سازی در یک تعریف به معنای کاهش حجم دارایی دولت، فروش سهام، مقررات زدایی از فعالیت‌های اقتصادی و کوششی در جهت اداره فعالیت‌های اقتصادی بخش دولتی به شیوه بخش خصوصی دانسته شده است (گوپتا^۶، ۲۰۰۰: ۴۵). خصوصی سازی را می‌توان یک سیاست اقتصادی جهت تعادل بخشیدن میان دولت و دیگر بخش‌های اقتصادی دانست که هدف اصلی آن ایجاد شرایط رقابتی و بهبود بهره‌وری و ارتقای کیفیت محصول و خدمات است (هرمان و فلیکرن^۷، ۲۰۱۲: ۳۶). بتگلیو^۸ (۲۰۰۹) از خصوصی سازی به عنوان یک ابزار برای توانمندسازی و بهبود پاسخگویی در بخش عمومی دفاع کرده است.

1Boam & Coper

2Barry

3Parker

4Biygautane

5Clegg

6Goopra

7Herman & Felekner

8Batgilioe

پولانی (۱۹۴۴) علی‌رغم تأکید بر ناسازگاری‌های درون‌ماندگار بین اقتصاد بازار آزاد و دموکراسی اجتماعی (به دلیل ماهیت استثماری و سلسله‌مراتبی نظام سرمایه‌داری)؛ از کالازدایی به مثابه یک جنبش اجتماعی مخالف نیروی بازار یاد می‌کند که درصدد محافظت از جامعه در مقابل هجوم بازار است (گودوین، ۲۰۱۸، ۲۰۲۴). مداخله دولت در قالب هزینه‌های اجتماعی برای آموزش، بهداشت، تامین اجتماعی و مسکن به عنوان یک مداخله کالایی زدایی، ارتقاء رفاه جمعی جامعه و مشروعیت بخشیدن به نقش دولت در یک جامعه بازاری تحلیل می‌شود. (کروز-مارتینز، ۲۰۲۴).

لاروکو (۲۰۱۱) بر این باور است که خصوصی‌سازی آموزش و پرورش، علاوه بر کاهش فشار بر بودجه دولت، با ایجاد یک بازار رقابتی در قلمرو یاددهی و یادگیری به کارآیی بیشتر در استفاده از منابع، توجه بیشتر به سلاقی و انتخاب‌های افراد جامعه منجر و با افزایش حساسیت عمومی نسبت به آموزش و پرورش و طلب پاسخگویی بیشتر از ارائه‌دهندگان خدمات قادر به ارتقاء کیفیت آموزش است. با وجود این خصوصی‌سازی در صورتی می‌تواند کارآیی و کیفیت مورد نظر را محقق سازد که دارای مدیریت و نظارت کافی و مناسب بوده و از کاهش کیفیت آموزش و بروز نابرابری‌ها و بحران‌های مختلف جلوگیری کند. برخی خصوصی‌سازی را در مفاهیمی چون فرایند فروش اموال دولتی، استفاده از اموال بخش خصوصی، مدیریت خصوصی نسبت به اموال دولتی و یا انعقاد قرارداد برونسپاری جستجو کرده‌اند. این گروه بیش از همه به ظرفیت و روند خصوصی‌سازی توجه نموده‌اند (بروکس و کولینان، ۲۰۰۷: ۵۶). برخی دیگر خصوصی‌سازی را تشکیل شراکت‌هایی با حداقل پنجاه درصد سهام متعلق به بخش خصوصی و در عین حال کنترل بخش‌ها و فرایند مشارکت بخش خصوصی با دولت می‌دانند (بیسلی، ۲۰۰۵: ۲۵).

۲-۱. پیشینه داخلی

مومنی و حاجی نوری (۱۳۹۵) در مقاله «اقتصاد سیاسی خصوصی‌سازی همراه با فساد با استفاده از رویکرد نورث^۴ و الیس^۵ وینگاست^۶» نشان دادند که چگونه روند خصوصی‌سازی در دولت‌های از نوع طبیعی با روال دسترسی محدود و اقتصاد رانتی از مسیر خود منحرف می‌گردد. دولت‌های رانتیر از طریق کاهش مطلوبیت محیط کسب و کار برای حضور قدرتمند بخش خصوصی واقعی مانع تراشی

¹Larocco

²Brox & Colinan

³Baisly

⁴North

⁵Wallis

⁶Wingast

کرده و بروی افزایش بهره‌وری و سلامت مالی تاثیر منفی می‌گذارند. خصوصی سازی در کشورهایی با نظم دسترسی محدود و اقتصاد رانتي باعث می‌شود که میزان پاسخگویی بخش خصوصی به توده مردم کاهش پیدا کرده و انحصار اقشار فرادست دولتي بر منابع مالی فرودستان جامعه افزایش یابد.

ستاری (۱۳۸۹) در رساله دکتری خود با موضوع «اقتصاد سیاسی خصوصی سازی در ایران معاصر» بر این باور است که درک ماهیت و علل اقتصاد سیاسی توسعه نیافتگی خصوصی سازی منوط به درک فرایند تاریخی مستمری است که طی آن هسته در حال گسترش سرمایه داری دولتي همچنان در تاریخ معاصر ایران به شکل حادی بازتولید و توسعه یافته است و در مقابل؛ بخش خصوصی اقتصاد از زمینه های محدودی برای مالکیت، انباشت سرمایه، رشد و ایفای نقش در ساخت قدرت اقتصاد سیاسی و فرایند توسعه ایران برخوردار بوده است. رساله با نقد ماهیت تقلیل گرایانه ادبیات موجود و بویژه با صورت بندی یک رهیافت نظری جدید (تحت عنوان رهیافت پارادایم قدرت) نشان می‌دهد که چگونه فهم ماهیت و منطق درونی گرایش نخبگان مسلط در پارادایم های قدرت پهلوی و جمهوری اسلامی به توسعه سرمایه داری دولتي و عدم توسعه بخش خصوصی اقتصاد، بدون توجه به فرایند تاریخی تکوین، تکامل و تعیین با استقرار این پارادایم های قدرت در جامعه و بویژه ماهیت نظم مورد نظر آن‌ها در حوزه انباشت، هژمونی، هویت و مشروعیت (به مثابه علیت های ساختی یا هسته مرکزی و سخت این پارادایم های قدرت) ممکن نیست.

محرم پور و فهیمی (۱۳۹۶) تاثیر اجرای سیاست های اصل چهل و چهار قانون اساسی در عملکرد مالی شرکت های دولتي را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیدند که واگذاری شرکت تغییر معناداری در عملکرد مالی نداشته است و این امر معلول واگذاری به شرکت های شبه دولتي و غیر خصوصی و در نتیجه دولتي بودن مدیریت شرکت ها پس از واگذاری اعلام کردند.

۲-۲. پیشنهاد خارجی

احمد و کوهن^۱ (۲۰۱۹) در مقاله ای با عنوان «نگرش ها و رویکردهای ذینفعان در جریان خصوصی سازی» به بررسی تجارب زیسته و نحوه مواجهه ذینفعان خصوصی سازی در صنعت برق کشور نیوزیلند پرداخته اند و با بهره گیری از رویکرد فرایندی و توجه به ارتباط زمانی بین رویدادها در فاصله زمانی ژانویه ۲۰۱۳ تا دسامبر ۲۰۱۴ به بررسی اسنادی نظیر روزنامه ها، گزارش های دولتي و جلسات

^۱Ahmad & Kohen

برگزار شده پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که دولت با برجسته‌سازی ابعاد قدرت، مشروعیت و فوریت؛ قوانین بازی در طول فرآیند خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی را تعیین و برنامه‌های خود را بدون توجه به مخالفت اکثریت شهروندان به پیش می‌راند.

ریزنبرگ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش «نظام جهانی و تهی‌شدگی ظرفیت دولت: تأثیر برنامه‌های تعدیل ساختاری بر کیفیت بروکراسی در کشورهای درحال توسعه» با بررسی داده‌های مربوط به ۱۳۱ کشور درحال توسعه در بازه‌ی زمانی ۲۰۱۴-۱۹۸۵ استدلال کرده‌اند که سیاست‌های توصیه‌شده توسط صندوق بین‌المللی پول با افزایش ریسک افتادن بروکراسی به دام منافع خاص و فساد و انحصاری کردن ابزار سیاست‌گذاری، تأثیر مخربی بر کیفیت بروکراسی در بسیاری از این کشورها داشته است. آن‌ها تأکید می‌کنند که این تأثیر مخرب رابطه‌ی معناداری با سطح کیفی بروکراسی پیش از اجرای این برنامه‌ها ندارد و نشان می‌دهند پارادوکس برنامه‌های تعدیل این بوده که برای اجرای آن به یک بروکراسی باکیفیت نیاز است، اما خود این برنامه‌ها به بی‌کیفیت‌شدن هرچه‌بیشتر بروکراسی منجر شده‌اند. داده‌های پژوهش برگرفته از راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری (ICRG) در دوره‌های سه ساله است که برای تکمیل آن از شاخص کیفیت بروکراسی وبری (Weberianness Index) و همچنین از داده‌های مربوط به آمار رشوه و عملکرد بنگاه‌ها استفاده شده است. سه متغیر کنترل اصلی عبارت‌اند از: خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی، کوچک‌سازی دولت، و مقررات‌زدایی قیمتی. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که سیاست‌های تعدیل ساختاری می‌تواند شکل جدیدی از نظریه-ی وابستگی در دوره‌ی پس از جنگ باشد، استفاده از برنامه‌های تعدیل در دهه‌ی ۱۹۹۰ تأثیر بلندمدتی بر ناکارآمدی بروکراسی دولت‌ها داشته است و در آخر دولت‌هایی که براساس برنامه‌های تعدیل به دنبال توسعه هستند، به تدریج به تسخیر طبقات بالای داخلی در می‌آیند. چنین کشورهایی در پیشبرد منافع نخبگان اقتصادی و سیاسی در متن استبداد مهارت زیادی دارند، اما فاقد بروکراسی لازم برای تأمین کالاهای عمومی هستند. با آغاز روند کوچک‌سازی دولت، فعالان اقتصادی تلاش کردند تا با انواع لابی‌ها امتیازاتی را برای خود حفظ کنند و از این طریق بروکراسی را فلج کردند. سیاست تعدیل به‌طور جدی میزان وقوع فساد را افزایش داده و برخی گونه‌های فساد را نظام‌مند و حتی قانونی کرده است. ضعف دموکراسی در همراهی با سیاست‌های تعدیل نیز تأثیری جدی بر تهی‌شدگی هرچه‌بیشتر بروکراسی داشته است

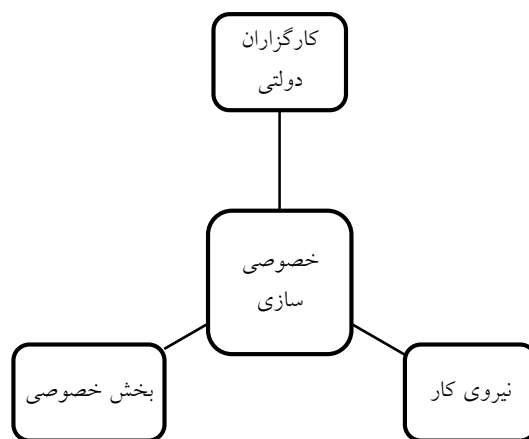
استرین و پیلتر (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «خصوصی سازی در کشورهای در حال توسعه: درس های اخیر چیست؟» شواهد تجربی اخیر در مورد خصوصی سازی در کشورهای در حال توسعه را مرور می کنند. آن ها به این نتیجه می رسند که در حال حاضر، ارزیابی محتاطانه ای از خصوصی سازی وجود دارد و خصوصی سازی به تنهایی برای تولید خودکار منافع اقتصادی در اقتصادهای در حال توسعه کافی نیست. موفقیت خصوصی سازی در این کشورها منوط به وجود پیش شرط هایی مناسب از جمله زیرساخت های نظارتی قوی است

ولج و فرموند (۲۰۰۹) در پژوهش خود با هدف بهینه بودن فرایند انجام خصوصی سازی اظهار داشته اند که خصوصی سازی مرحله به مرحله بشدت موردعلاقه متخصصان خصوصی سازی است و از آنجایی که مناسبترین روش برای واگذاری شرکت های متوسط و بزرگ است، اساس کار همه برنامه های خصوصی سازی در سراسر جهان قرار گرفته است. همچنین آندسته از اقتصادهای در حال گذار که اخیراً خصوصی سازی گسترده به مفهوم واگذاری کوپن سهام به عموم مردم را به اجرا درآورده اند، در حال آغاز واگذاری شرکت های بزرگ و متوسط خود می باشند که در این راه به درک صحیح، طراحی درست و راه اندازی فوری برنامه خصوصی سازی مرحله به مرحله نیاز دارند.

۳- روش شناسی تحقیق:

در این تحقیق از روش تحقیق کمی استفاده شد. هدف انجام این تحقیق نگاشت مدل موفقیت خصوصی سازی در جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل ساختاری - تفسیری است. در رابطه با هدف یک نوع تحقیق اکتشافی می باشد. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه مدلسازی تفسیری - علی استفاده شده است. برای انجام این پژوهش از روش مدلسازی ساختاری تفسیری استفاده شده است. این روش یک فرایند یادگیری تعاملی است که در آن مجموعه ای از عناصر مختلف و بهم مرتبط در یک مدل نظاممند جامع ساختاردهی می شوند (وارفیلد، ۱۹۷۴). این روش شناسی به ایجاد و جهت دادن به روابط پیچیده میان عناصر یک سیستم کمک می نماید (فایسال و همکاران، ۲۰۰۶). عناصری که در یک سیستم اثرگذاری بیشتری بر سایر عناصر دارند از اهمیت بالاتری برخوردارند. مدلی که با استفاده از این روش بدست می آید، ساختاری از یک مساله یا موضوع پیچیده، یک سیستم یا حوزه مطالعاتی را نشان می دهد که الگویی بدقت طراحی شده می باشد (فایسال و همکاران، ۲۰۰۶). در نتیجه، مدلسازی نرم افزار میک مک نه تنها بینشی را در خصوص روابط میان عناصر مختلف یک سیستم فراهم می -

نماید بلکه ساختاری را مبتنی بر اهمیت و یا تاثیرگذاری عناصر برهم بسته به نوع رابطه محتوایی تعریف شده فراهم می‌نماید و نمایشی تصویری به نمایش می‌گذارد. این روش تفسیری است، چون قضاوت گروهی از افراد تعیین می‌نماید که آیا روابطی میان این عناصر وجود دارد یا خیر. این روش ساختاری است چون اساس روابط یک ساختار سرتاسری است که از مجموعه پیچیده‌ای از متغیرها استخراج شده است. این روش یک تکنیک مدلسازی است که روابط مشخص و ساختار کلی در یک مدل دیاگراف، نشان داده می‌شود. روش مدلسازی ساختاری تفسیری در حوزه‌های مختلفی استفاده شده است. ایده اصلی مدلسازی میک مک تجزیه یک سیستم پیچیده به چند زیر سیستم (عناصر) با استفاده از تجربه عملی و دانش خبرگان به منظور ساخت یک مدل ساختاری چند سطحی می‌باشد.



جدول ۱. مشخصات خبرگان

کد	نام	سن	نوع فعالیت	سابقه فعالیت (سال)	رشته تحصیلی	تحصیلات
۱	امین	۴۲	فعال کارگری	۱۵	کارشناسی	برق
۲	عباس	۶۰	مدیر دولتی	۴۰	ارشد	مدیریت
۳	رضا	۶۲	بازاریاب بخش خصوصی	۳۸	ارشد	تربیت بدنی
۴	علی	۴۸	فعال کارگری	۱۸	کاردانی	حسابداری

۵	رامین	۳۹	مدیر بخش دولتی	۱۵	ارشد	اقتصاد
۶	داوود	۶۲	مدیر پشتیبانی بخش خصوصی	۴۰	کارشناسی	حقوق
۷	علیرضا	۴۴	فعال کارگری	۲۱	دکتری	برق
۸	سعید	۴۵	مدیر عامل شرکت بیمه	۱۳	دکتری	کامپیوتر
۹	حسن	۶۰	سرکارگر سابق خط تولید	۳۶	ارشد	کشاورزی
۱۰	محمد رضا	۵۰	کارشناس موسسه دولتی	۲۲	کارشناسی	فقه
۱۱	امیر علی	۵۹	مدیر مالی کارخانه مواد سلولزی	۳۰	دکتری	مدیریت
۱۲	حسین	۲۹	فعال کارگری	۵	ارشد	آبچیزداری
۱۳	محمد	۲۸	کارشناس دولت	۹	کارشناسی	کشاورزی
۱۴	مهدی	۳۰	مهندس عمران در شرکت ساختمانی	۸	ارشد	عمران
۱۵	شهرام	۵۲	روزنامه نگار حوزه کارگری	۲۷	کاردانی	اقتصاد
۱۶	نصرالله	۴۷	حسابدار ارشد شرکت	۲۱	ارشد	مالی
۱۷	نعمت	۳۶	فعال کارگری	۱۶	ارشد	بازرگانی
۱۸	رضا	۵۸	معاون مدیر کل بخش دولتی	۳۰	ارشد	شیلات
۱۹	سعید	۴۵	مدیر کل سابق بخش دولتی	۲۵	دکتری	علوم سیاسی
۲۰	مجید	۳۵	کارشناس سازمان دولتی	۱۸	کارشناسی	روان شناسی
۲۱	شهاب	۵۵	کارشناس بخش دولتی	۳۵	کاردانی	حسابداری
۲۲	کامران	۵۳	هیئت علمی دانشگاه و عضو هیئت مدیره شرکت قطعه سازی	۳۰	دکتری	آمار
۲۳	حسن	۶۷	مدیر عامل واحد دولتی	۴۰	ارشد	شیلات
۲۴	سعید	۵۲	نماینده کارگران در شورای صنفی کارگران شرکت ماشین آلات سنگین	۲۵	ارشد	علوم تربیتی
۲۵	دانا	۳۲	کارشناس حقوقی دولت	۹	کارشناسی	حقوق

۲- یافته های پژوهش:

۳- جدول عوامل

ابتدا با مروری سیستماتیک بر ادبیات نظری مربوط به نزاع متغیرهای کلیدی تاثیرگذار بر آن را مورد بررسی قرار می دهیم. پژوهش های انجام شده (در قالب مقاله های علمی پژوهشی، رساله ها، کتب، پایان نامه های ارشد) در خصوص موضوع خصوصی سازی مورد بررسی قرار گرفت و با استفاده از روش تحلیل مضمون و مصاحبه با خبرگان جامعه کار و تولید (فعالان کارگری، مدیران بخش دولتی و

فعالان بخش خصوصی و صاحبان کسب و کارهای آزاد) مفاهیمی استخراج گردید که در نهایت ۱۴ مفهوم از این عملیات احصاء و در اختیار ۲۵ نفر از کارشناسان قرار گرفت تا در جدول ماتریس خودتعاملی ساختاری نمره‌دهی شوند.

جدول ۲. پیشران‌های موثر بر خصوصی‌سازی حاصل از مصاحبه با خبرگان

شماره	عامل	استخراج از مصاحبه شماره	مفهوم
۱	شایسته سالاری	۲۰/۱۶/۱۵/۱۰/۰۵/۰۴/۰۳/۰۱	عدم آگاهی مدیران/عدم اهلیت
			سنجی مدیران/ بوروکرات‌های
			جاه‌طلب/ناترازی ظرفیت نهاد
			مجری خصوصی‌سازی با
			ماموریت‌هایش/ عدم قاطعیت و
			جسارت دست اندرکاران امر
			واگذاری / عدم جذب مدیران با
			تجربه و متخصص/ نبود شایسته
			سالاری در مدیران بخش تعاون
			/عدم آشنایی مدیران با مزایا و
۲	استیلاء بخش نامولد	۲۰/۱۹/۱۸/۱۱/۱۰/۰۹/۰۸/۰۵/۰۳/۰۲	روش‌های خصوصی‌سازی/ نبود
			اجماع مسئولان به موضوع
			خصوصی‌سازی
			سودآوری فعالیت‌های موازی
			تولید/ واسطه‌گری و دلالتی/ عدم
			توسعه بازار سرمایه/ بازده
			نامتعارف بازارهای غیرمولد/
			خروج آسان سرمایه از کشور/
			عدم حمایت از تولید داخلی/
			انحصار بانک‌ها در ایجاد
			نقدینگی/ عدم توانایی بانک‌ها
			در رگولاتوری / گروگان‌گیری
اقتصاد ایران توسط مافیا /			

۱۵/۱۸/۱۶/۱۳۷/۸۰/۵۰/۰۶/۰۱	موازی کاری نهادی / عدم کارایی آپاراتوس / تمایل به حذف بخش خصوصی / تعدد دستگاه های نظارتی / ممانع تراشی دستگاه های اجرایی در عملیاتی شدن فرآیند / عدم تعامل وزارت خانه ها و شرکت های مادر تخصصی / نبود نهاد تنظیم- گر / عدم همکاری با شورای رقابت / عدم پاسخگویی به عملکرد مالی / عدم کفایت قوانین حامی خصوصی سازی	۳	فرهنگی دولت
۲۴/۲۵/۱۹/۱۶/۱۸/۱۲/۱۱	فرهنگ نظارت ناپذیری / ابزارهای نظارتی / اقتصاد سیاسی نظارت / عدم علاقه به نظارت / خوی نظارت گریز مسئولان / تعدد مراجع نظارتی / ابزارهای نظارتی ناقص / پارتی بازی در نظارت / مصونیت از نظارت / اعمال سلیقه در نظارت / همپوشانی مقام ناظر / باندهای نظارت / قدرت پایین ناظر بر منظور در سلسله مراتب / قدرتمندان نظارت گریز	۴	نظارت پذیری
۲۳/۲۲/۱۹/۱۷/۱۵/۱۰/۱۱/۰۸/۰۰/۰۲/۰۱/۰۳	ابهام در روش های واگذاری / اراده معطوف به قانون گریزی / نبود انگیزه در اصلاح قوانین / فساد سازمان یافته / نبود چارچوب دقیق برای انتخاب متقاضی / عدم کفایت قوانین تسهیلگر اصل ۴۴ / مزایده محوری بجای اهلیت سنجی / واگذاری شرکت ها بدون انجام کارشناسی دقیق و	۵	حاکمیت قانون

قانونی / عدم اجرای درست
قوانین / نبود مرجع قانونی برای
حل و فصل اختلافات بخش
خصوصی

۶	شفافیت اداری	۲۳/۲۱/۱۹/۱۸/۱۳/۱۱/۰۸/۰۴/۰۲/۰۱	خلاءهای قانونی / نبود شاخص - های دقیق ارزیابی / عدم بروز اطلاعات / نبود سازوکار قانونی واگذاری فعالیت‌های دولتی / وجود آیین‌نامه‌های معاملاتی پیچیده خصوصی سازی / نبود جریان شفاف اطلاع‌رسانی / خصوصی سازی غیرشفاف و تبعیض گرایانه
۷	فضای کسب و کار	۲۳/۲۲/۱۹/۱۷/۱۵/۱۰/۱۱/۰۸/۰۲/۰۱/۰۳	اقتصاد ریسکی / مداخلات دولت / هرج و مرج در بازار / نبود بازار رقابتی / مداخله دولتمردان در صدور مجوزهای کسب و کار / افزایش ریسک سرمایه گذاری / پیش‌بینی ناپذیری اقتصاد ایران / نبود فضای خلق ارزش و کار آفرینی / پیش‌بینی ناپذیری آینده اقتصادی
۸	نگرش مسئولان	۱۸/۱۳/۱۱/۱۰/۰۷/۰۶/۰۵	نگاه انتفاعی / نگاه امنیتی / رقیب بودن خصوصی / نبود فرهنگ مشارکت / عدم اعتماد به بخش خصوصی / فسادگریزی بخش خصوصی / کارآفرین بودن بخش خصوصی / رقیب انگاری بخش خصوصی / غلبه رویکرد رفع ناترازی بودجه / خصوصی - سازی به مثابه سیاست‌زدایی /

تقلیل خصوصی سازی به تغییر مالکیت		
۹	پارادوکس منافع	۲۳/۲۱/۱۹/۱۸/۱۳/۱۱/۰۸/۰۴/۰۲/۰۱
عدم برون سپاری فعالیت های سودآور دولتی / عدم تسویه به موقع دیون / ذینفع نبودن کارگزاران دولتی / بهره مندی از رانت اطلاعاتی / انحصار تسهیلات دولتی / عدم ایجاد فرصت های برابر برای همگان / سوء مدیریت خریداران و مدیران منصوب		
۱۰	دموکراتیزاسیون	۲۴/۲۳/۲۲/۲۱/۲۰/۱۹/۱۵/۱۱
تشکل یابی نیروی کار / تشکل - یابی بخش خصوصی / آزادی بییان / آزادی مطبوعات / مشارکت نیروی کار در فرایند خصوصی سازی / به رسمیت شناختن حقوق سیاسی مدنی مردم / تقویت چانه زنی نیروی کار /		
۱۱	سیاست خارجی توسعه گرا	۲۵/۲۱/۲۰/۱۵/۱۷/۱۱/۱۰/۰۹/۰۸/۰۳
تحریم های ناجوانمردانه / آثار قیمت های جهانی (نهادها و محصولات) / عدم درک تحولات جهان توسط مدیران / عدم درک واقعیت های بازار / عدم مواجهه هوشمندانه شرکت ها با قواعد تجارت جهانی / فضای کلی حاکم بر کشور مانند تحریم ها / جذب سرمایه خارجی / دیپلماسی اقتصادی / تقویت سیاست تنش زدایی / خنثی سازی تحریم ها /		
۱۲	اعتماد عمومی	۲۵/۲۳/۲۲/۱۹/۱۵/۱۱/۰۷/۰۶/۰۵
اولویت دهی به فرهنگ سازی / شکل گیری اجماع عمومی /		

ایجاد زیرساخت‌های نهادی و
حقوقی/ ورود رسانه ملی به
بحث اقلان سازی افکار عمومی/
رفع حساسیت‌های سیاسی و
اجتماعی نسبت به خصوصی-
سازی/ تزریق سرمایه اجتماعی
/الگوسازی از کارفرمایان موفق
/مشارکت‌خواهی مردم
/اعتمادسازی در اجتماع محلی/
فضاسازی فرهنگی/ اطلاع
رسانی عمومی/ جلب نظر
ذینفعان

۱۳	۱۹/۱۷/۱۲/۱۱/۱۰/۰۹/۰۶/۰۵/۰۲	ناتوانمندی بخش خصوصی/ عدم اهلیت بخش خصوصی/ ضعف بخش تعاونی/ضعف تصدی گری در بخش خصوصی/ عدم استفاده از پیمانکاران با توان مالی بالا/ کیفیت نامناسب پیمانکاران/ عدم شفافیت سوابق و پشینه شرکت- های خصوصی/ نبود بخش خصوصی توانمند/ کاهش اعتماد سرمایه گذاران برای ورود به خصوصی سازی
----	----------------------------	--

۱۴	۲۴/۱۵/۱۲/۱۰/۰۹/۰۵	برنامه ریزی نبود استراتژی مدون/ نبود وحدت رویه / فرمالیسم صوری / آشفته فکری در مدیریت/ نبود برنامه چندمرحله‌ای برای واگذاری فعالیت‌ها/ ابهام و سردرگمی در خصوص نحوه واگذاری بنگاه‌های دولتی و شبه دولتی/ اشتباه در اولویت گذاری/ واگذاری شرکت‌های اعلامی در
----	-------------------	--

اصل ۴۴ و نه بر اساس ماهیت
شرکت و بازار/ عدم تعیین
تکلیف سرمایه و دارایی های
غیرمولد/ فقدان تعریف مشخص
از مولدسازی/ ضعف نظام
آماري برای شناسایی اموال/ نبود
برنامه ریزی برای نهادسازی

یافته های نتایج

۱- ماتریس خود تعاملی ساختاری (SSIM)

در این تحقیق برای تعیین روابط محتوایی میان عوامل موثر بر خصوصی سازی، از نظر ۲۵ نفر استفاده شد که طیف متنوعی از نخبگان جامعه کار و تولید شامل مدیران بخش خصوصی، صاحبان کسب و کارهای کوچک، مدیران ارشد و میانی بخش دولتی، فعالان کارگری، فعالان صنفی، کارشناسان دولتی، روزنامه نگاران و پژوهشگران حوزه کارگری را شامل می شود. این افراد دارای حداقل ۵ سال سابقه کار بوده و در مجامع و نشست های تخصصی مربوط به حوزه فعالیت خود، مقالات یا کتابهایی را به رشته تحریر درآورده اند. در خصوص هر زوج معیار از خبرگان سوال شد تا در خصوص وجود رابطه میان هر دو معیار اظهار نظر نمایند. ۴ نشانه به منظور نشان دادن چگونگی روابط میان دو استفاده شده است:

V: تاثیر معیار A فقط بر معیار Z

A: تاثیر معیار Z فقط بر معیار A

X: تاثیرگذاری متقابل A بر Z برهمدیگر

O: عدم رابطه تاثیرگذار میان دو معیار A و Z

طبق دستورالعمل وارفیلد (۱۹۷۴) به منظور تعیین نوع رابطه میان عوامل موثر بر خصوصی سازی، از نظرات خبرگان استفاده شده است.

۲- ماتریس دسترسی اولیه

ماتریس خودتعاملی ساختاری به ماتریس صفر و یکی تبدیل می‌شود که نام آن ماتریس دسترسی اولیه می‌باشد. در این ماتریس فقط اعداد صفر و یک وجود دارند. قاعده جایگذاری اعداد صفر و یک بجای اعداد اولیه چهارگانه بدین صورت است:

در این مرحله با تبدیل نمادهای روابط ماتریس SSIM به اعداد صفر و یک بر حسب قواعد ذکر شده می‌توان به ماتریس RM دست پیدا کرد. نتایج حاصل در جدول ۳ نشان داده شده است: با تبدیل نمادهای ماتریس SSIM به اعداد صفر و یک بر اساس زیر ماتریس دستیابی اولیه بدست می‌آید.

اگر نماد خانه ij حرف V باشد در آن خانه عدد ۱ و در خانه قرینه عدد صفر گذاشته می‌شود.

اگر نماد خانه ij حرف A باشد در آن خانه عدد صفر و در خانه قرینه عدد ۱ گذاشته می‌شود.

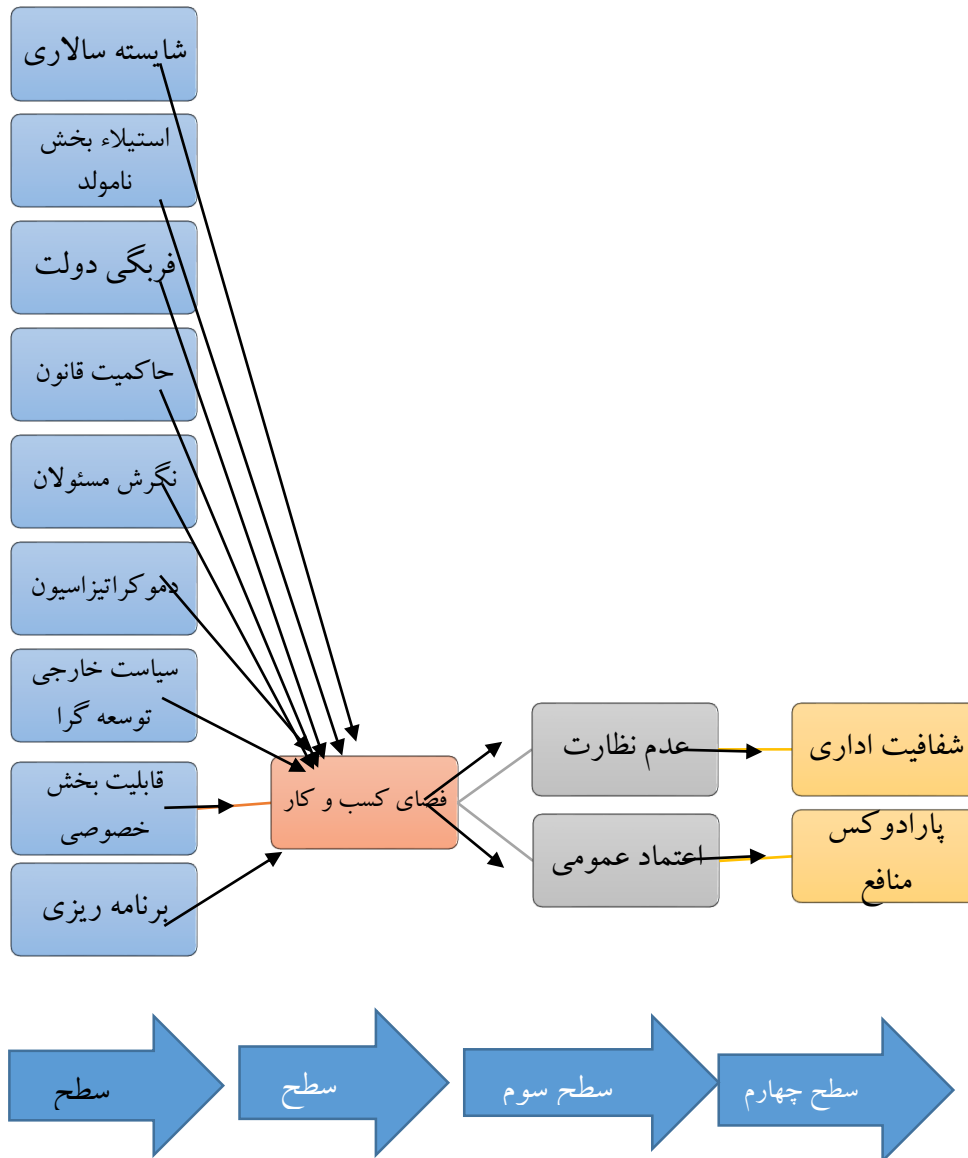
اگر نماد خانه ij حرف X باشد در آن خانه عدد ۱ و در خانه قرینه نیز عدد ۱ گذاشته می‌شود.

اگر نماد خانه ij حرف O باشد در آن خانه عدد صفر و در خانه قرینه نیز عدد صفر گذاشته می‌شود

۳- سطح‌بندی معیارها

پس از تعیین مجموعه قابل دستیابی و مجموعه متقدم برای هریک از معیارها و تعیین مجموعه‌ی مشترک، سطح‌بندی معیارها انجام می‌شود. با بدست آوردن اشتراک دو مجموعه قابل دستیابی و متقدم، مجموعه مشترک بدست می‌آید. معیارهایی که مجموعه‌ی مشترک‌شان با مجموعه قابل دستیابی‌شان یکی باشد، سطح اول اولویت را به خود اختصاص می‌دهند. با حذف این معیارها و تکرار این فرایند برای سایر معیارها، سطوح سایر معیارها نیز مشخص می‌شود. سپس بر اساس سطوح تعیین شده و ماتریس نهایی، دیاگرام ISM ترسیم می‌شود.

شکل شماره (۱): سطح‌بندی متغیرهای موثر بر خصوصی سازی



۴- خوشه بندی معیارها

به منظور بخش بندی معیارها، در ماتریس دسترسی نهایی باید برای هریک از عناصر، قدرت محرکه و وابستگی محاسبه شود. قدرت محرکه یک عنصر، تعداد معیارهایی است که متاثر از معیار مربوطه

شکل شماره (۲): خوشه‌بندی عوامل موثر بر آینده خصوصی سازی براساس روش MICMAC

قدرت محرک

[illegible]

قدرت وابستگی

۵- نتیجه گیری

بیش از سه دهه است که خصوصی سازی به عنوان علاجه برای دردهای اقتصاد خاورمیانه و ایران از سوی نهادهای بین المللی (همانند بانک جهانی و صندوق بین المللی پول) و سیاست گذاران داخلی تجویز می شود. این که بخش بزرگ دولتی در خاورمیانه به دلیل پتانسیل بالای فساد و از بین بردن رقابت همانند سدی در برابر رشد اقتصادی قرار گرفته استدلال اصلی چنین تجویزی را تشکیل می دهد. بعلاوه در ادامه ی چنین استدلالی ادعا می شود که با کاهش اندازه بخش دولتی و رشد بخش خصوصی، به واسطه افزایش رقابت و از طریق دست های نامرئی بازار مشکل فقدان رشد اقتصادی خاورمیانه و به تبع آن بیکاری حل خواهد شد. نتیجه چنین تشخیص و تجویزی برای اقتصاد ایران خصوصی سازی های گسترده در بخش های مختلف دولتی، از صنعت گرفته تا کشاورزی و سرویس بوده است؛ روندی که از زمان پایان جنگ تا به امروز ادامه پیدا کرده است. در گزارش سازمان بین المللی کار در سال ۲۰۱۵ نشان داده شده است که روند موقتی سازی شغلی طی دو دهه اخیر در ایران و برخی دیگر از کشورهای خاورمیانه روند به مراتب شدیدتری نسبت به کشورهای اروپایی

داشته است. موقتی سازی شغلی یکی از مهم ترین سازوکارهای بازار آزاد در راستای تشکیل زدایی و به تبع آن بی صدا کردن نیروی کار در مناسبات سیاست گذاری است. در حال حاضر بیش از ۸۰ درصد نیروی کار شاغل در بخش خصوصی ایران در قالب قراردادهای موقت کمتر از یکسال مشغول به کارند (سازمان بین المللی کار، ۲۰۱۵: ۳۶).

هدف اصلی این تحقیق؛ نگاشت مدل موفقیت خصوصی سازی در جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل ساختاری- تفسیری بود که در قالب طبقه بندی و تعیین اهمیت و اولویت هریک از آن ها مفصل بندی گردید. برای نیل به این هدف، پس از مرور ادبیات نظری و تجربی پژوهش، ۱۴ عامل موثر در موفقیت خصوصی سازی با استفاده از روش دلفی و نظر خبرگان شناسایی و توسط ماتریس تعاملی- ساختاری مورد سنجش قرار گرفت. عامل های مستقل، وابسته، محرک و پیوندی شناسایی شده و در نهایت عامل های کلیدی و اهرمی دارای بیشترین اهمیت بر موفقیت خصوصی سازی در جمهوری اسلامی ایران شناسایی شدند.

نتایج تحقیق همراستا با پژوهش های نجات و همکاران (۱۳۸۹)، قریشی خوراسگانی (۱۳۹۶)، بحری ثالث و دیگران (۱۳۹۴)، محرم پور و نعیمی (۱۳۹۶) و کوچیندا و والاچی (۲۰۰۲) نشان داد که موفقیت خصوصی سازی در هر کشور مستلزم ترکیب شرایط علی و ساختاری متنوعی است که منجر به رشد و توسعه اقتصادی کشور خواهد شد. این شرایط، کلیتی اندامواره را تشکیل می دهد که متاثر از پیشران های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. مولفه هایی نظیر قدرت اجماع نخبگان، مدیریت تضاد منافع، نحوه تعاملات با نظم بین المللی سرمایه، فرهنگ اقتصادی حاکم بر جامعه، گردش آزاد اطلاعات، محدودیت های بوروکراتیک و درجه دموکراتیزاسیون می توانند فراتر از تک مولفه "تغییر مالکیت" بر نحوه عملکرد بنگاه های اقتصادی و ارتقاء شاخص های رشد و توسعه یافتگی موثر باشند. در راستای همین رویکرد؛ منتقدان خصوصی سازی ادعا می کنند که مالکیت خصوصی لزوماً به بهبود کارایی منجر نمی شود و مدیران بخش خصوصی ممکن است در اتخاذ استراتژی های سودآور یا شیوه های شرکتی که خدمات ضروری را برای بخش های بزرگی از مردم غیرقابل قبول یا غیرقابل دسترس می سازد، تردیدی نداشته باشند. برای مثال، یک عملیات سودجویانه ممکن است ارائه مراقبت های بهداشتی به افراد بی بضاعت را انتخاب نکند یا آموزش را به کودکان فقیر یا ناتوان در یادگیری گسترش تسری ندهد. تلاش برای سودآور کردن چنین فعالیت هایی به احتمال زیاد به معنای از سرگیری مجدد مداخله دولت خواهد بود. نتیجه ممکن است جذابیت کمتری نسبت به زمانی داشته باشد که دولت به سادگی به ارائه خدمات در وهله اول ادامه دهد (گودمن و لو من، ۱۹۹۱). فرایند

خصوصی اغلب منجر به قدرت گیری اقلیت صاحب قدرتی در ساختار و سلسله مراتب اقتصادسیاسی جامعه شده که به عنوان مالکان شرکت های واگذار شده منافع خود را در گرو حفظ انحصارها و تداوم وضع کنونی می دانند و قاعدتاً هر گونه حرکت در مسیر پیشرفت فرآیندهای دموکراتیزاسیون نظیر حق آزادی احزاب و تشکل های مستقل؛ افزایش نظارت و شفافیت و نیز بهینه سازی سیاست های اخذ مالیات در تقابل با منافع طبقاتی این اقلیت می باشد. برآیند سیاست های تحت تفاهم واشنگتن غالباً این بوده که تعداد کمی به هزینه بسیاری دیگر، و عموماً طبقات مرفه به هزینه فقرا، منتفع شده اند. در بسیاری از موارد، منافع و ارزش های بازرگانی بر نگرانی های زیست محیطی، مردم سالاری، حقوق بشر و عدالت اجتماعی چربیده است (استیگلیتز، ۱۳۸۴: ۴۳). خصوصی سازی ممکن است از نظر اقتصادی منطقی باشد، اما «بهترین» لزوماً نمی تواند به معنای ارزان ترین یا کارآمدترین روش باشد، برای ارزیابی معقول گزینه ها باید نگرانی های مربوط به عدالت، امنیت و شهروندی سنجیده شود. خصوصی سازی یک اثر بازخوردی ایجاد می کند که در آن نفوذ بر دولت اکنون از «طبقه بزرگ پیمانکاران خصوصی و سایر ارائه دهندگان وابسته به پول عمومی» ناشی می شود. این تأثیر به ویژه در صورتی خطرناک است که شرکت های خصوصی فقط از پرسودترین خدمات صرف نظر کنند و مؤسسات دولتی را به عنوان آخرین راه حل ارائه دهنده خدمات برای جمعیت یا عملیات با بالاترین هزینه باقی بگذارند (استار، ۱۹۸۷). مرکزگرایی و سیاست گذاری از بالا به پایین، به ویژه در زمان وقوع بحران، سبب نشیندن صدای طبقه فرودست و نادیده انگاشتن درک و تجربه آنها شده است و در بهترین حالت به گونه ای روایت شده که باز هم به نفع مرکز بوده است. شناخت درک و تجربه طبقه فرودست از خصوصی سازی نه تنها شناخت ما را غنی می کند بلکه کمک خواهد کرد تا ارزیابی واقع گرایانه ای از سیاست ها داشته باشیم، و مهم تر از همه، نقد زمینه اقتصادی - سیاسی را که موقعیت فرودستی را خلق کرده است ممکن می سازد. پیر بوردیو بنیان زیرین این سامان اقتصادی که زیر پرچم آزادی فردی قرار دارد را در خشونت ساختاری بیکاری، اشتغال نامطمئن و ترس ناشی از تهدید به از دست رفتن کار جستجو می کند. شرط کارایی هماهنگ این مدل فردگرایی اقتصاد خرد و اصل انگیزه فردی در کار، در تحلیل نهایی، در پدیده ای توده وار، وجود ارتش ذخیره ی بیکار است - اگرچه واژه ی ارتش نامناسب است، زیرا بیکاری تک افتادگی، هسته ای شدن، فردی شدن و بی تحرکی به بار می آورد و همبستگی را از میان می برد (بوردیو، ۱۳۸۷: ۱۵۳).

راه حل این مشکل، شکل گیری یک سیاست اجتماعی کاملاً متفاوت است که از طریق آن، خدمات اجتماعی از هر نوع بتوان فارغ از رفتار افراد ذی نفع ارایه داده و از طریق آن بتوان خدمات را به گونه -

ای شکل داد که حالت اعطای موهبت نداشته، بلکه حقوق طبیعی ای باشند که رعایت می گردند. تنها از این طریق می توان از سیاست اجتماعی به عنوان ابزار توسعه و همبستگی اجتماعی استفاده نمود، در حالی که برابری و مساوات نیز مبنای کار باشد (رمضان، ۱۳۹۱: ۱۲۵). مطالعه عوامل موثر بر خصوصی سازی و همچنین پیامدهای سیاسی و اجتماعی اش می تواند زمینه کنترل این اعتراضات خیابانی را در آینده امکان پذیر نماید. از سوی دیگر ضروری است که نحوه اعمال تکنیک های مدیریت بحران، سطح تعامل با معتمدان محلی، کیفیت حضور تشکلهای مدنی و مواردی از این دست مورد بررسی و کنکاش قرار بگیرد.

موفقیت در خصوصی سازی به کیفیت نهادهای سیاسی و اقتصادی بستگی دارد. خصوصی سازی، بدون ساختار بنیادین حاکمیت قانون و سازوکارهای اجرایی همراه با آن، نتایج دلخواه را پدید نمی آورد (نورث، ۲۰۰۳: ۱۵). بررسی خصوصی سازی در کشورهای مختلف جهان حاکی از آن است که نه تنها رویکرد جهانی واحد برای خصوصی سازی وجود ندارد، بلکه موفقیت این برنامه تابع عوامل و شرایط مختلفی بوده و الزام های خاصی دارد که برنامه خصوصی سازی با انجام مطالعه و شناسایی کامل شرایط و سپس آماده سازی بسترهای مورد نیاز اجرا شده و اهداف آن به نحو مطلوبی تحقق یافته است، اما به الزام های «پیش و حین و پس» از خصوصی سازی توجه کمتر شده است در نتیجه با اجرای برنامه های خصوصی سازی آن با مشکلات اقتصادی و اجتماعی جدیدی روبه رو شده اند. مشکل اساسی خصوصی سازی این است که نیاز به خصوصی سازی در کشورهایی که در آنها حکومت کمتر رقابتی و پاسخگو است زیاد است، این کشورها دقیقاً کشورهایی هستند که فاقد نهادهای سیاسی و اقتصادی بالغ هستند. حکومتی که نمی تواند بنگاه های عمومی را که مالک آن است به خوبی اداره کند، اغلب نمی تواند خصوصی سازی را به خوبی طراحی و اجراء کنند و اصلاحات مکمل را به انجام برسانند (گریو و مگیسنون، ۲۰۰۶: ۹).

۶- پیشنهاد های پژوهش

در همین راستا پیشنهاد هایی در خصوص راهکارهای عملیاتی خصوصی سازی موفق ارائه می گردند: افزایش شفافیت روند خصوصی سازی از طریق استفاده حداکثری از ظرفیت نهادهای جامعه مدنی نظیر تشکلهای مردم نهاد، روزنامه نگاران، معتمدین محلی و .. جهت نظارت بر حسن عملکرد در فرایند خصوصی سازی

بهبود آموزش های مدیریتی محلی از طریق بنانهادن مراکز و موسسات آموزشی جدید پیشرفته، آموزش مدرسان در خارج، اتخاذ تکنولوژی آموزشی به روز و تدارک زمینه های مطالعاتی اولیه و سایر اطلاعات.

آگاهی بخشی، فرهنگ سازی، متقاعدسازی افکار عمومی شهروندان در خصوص منافع رقابت، کارایی و بهره وری اقتصادی و نقش سرمایه خارجی

تنظیم برنامه های حمایتی و پرداخت جبران به کارگران مربوط

افزایش آگاهی کارگران و عموم مردم نسبت به برنامه خصوصی سازی از طریق گفتگو با اتحادیه های صنفی و کارگری و برگزاری سمینارهای عمومی، انتشار مقالات در روزنامه ها و نشریات ویژه کارگری و صنفی و توجیه کارگران در خصوص سهام و بازارهای سهام

ایجاد برنامه خصوصی سازی مبتنی بر مشارکت و هدفمند

بسط خدمات آموزش و تعلیم و استخدام دوباره برای گسترش مهارت ها، افزایش توان جابجایی کارکنان و ایجاد شغل جدید از طریق اجرای برنامه های تحقیق و توسعه شرکت ها

۷- محدودیت های پژوهش

این پژوهش صرفا عوامل موفقیت خصوصی سازی را شناسایی کرده و ضریب اهمیت این موانع در پژوهش مشخص نشده است.

عدم حضور زنان در بین مصاحبه شوندگان یکی از مهمترین مشکلات این تحقیق بود. حضور کم رنگ زنان در اقتصاد، بازتاب خود را در سهم اندک آنان در ساختار مدیریتی کشور و فضای کارآفرینی و نیز بالتبع آن در محیط های کارگری نشان می دهد.

برش های قومی و استانی در این تحقیق مورد ملاحظه قرار نگرفته است. روایت هر استان و هر زیست- بوم محلی و سیاست های بازخوردی فعالان سیاسی - کارگری آنان در مواجهه با منطق خودبنیاد سرمایه و خصوصی سازی در این تحقیق مورد اغفال قرار گرفت.

۸- پیشنهاد های پژوهشی

بررسی تطبیقی تاریخی تاثیر خصوصی سازی در ایران و کشورهای منتخبی که بیشترین شباهت را از نظر شاخص های اقتصادی، تاریخی، سیاسی و فرهنگی با ایران دارند (مثلاً کشورهای منطقه منا).
 بررسی تطبیقی عملکرد خصوصی سازی در دوره های تاریخی گوناگون کشور (قبل از انقلاب و بعد از انقلاب)

مرور نظام مند پژوهش های انجام شده در حوزه خصوصی سازی در سه دهه اخیر
 فراتحلیل تاثیر خصوصی سازی بر سودآوری شرکت های خصوصی شده در آیین پژوهش های صورت گرفته در داخل کشور و خارج کشور

ارزیابی تاثیرات اجتماعی فرهنگی (اتاف) پروژه های توسعه ای مرتبط با خصوصی سازی
 بررسی تاثیر خصوصی سازی بر سیاست های تهی دستان شهری (اعتراض، مقاومت یا انفعال).
 آینده پژوهی روند خصوصی سازی در ایران مبتنی بر سناریونویسی و تحلیل پیشران

۹- منابع:

- باشدچهرمی، هادی؛ غفاری، مسعود؛ صادقی سقدل، حسین. (۱۳۹۸). تاثیر دولت رانتر بر فرایند خصوصی سازی؛ مطالعه موردی ایران بعد از انقلاب (۱۳۵۷ - ۱۳۹۷). مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۹(۳۰)، ۶۹-۹۱.
- بحری ثالث، جمال؛ فتحی عبداللهی، احمد؛ کرمی، غلامرضا. (۱۳۹۴). بررسی تاثیر خصوصی سازی بر عملکرد مالی و عملیاتی شرکت های دولتی خصوصی سازی شده پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نشریه حسابداری دولتی، ش ۳، صص ۴۰-۳۱.
- بهداد، سهراب؛ فرهاد نعمانی (۱۳۹۳). طبقه و کار در ایران، تهران، نشر آگه.
- پرکوپنکو، ژوزف. (۱۳۸۰). مدیریت خصوصی سازی، ترجمه: دردانه داوری وحسین اکبری، تهران، انتشارات مرکز پژوهش صنعتی آریانا، چاپ اول.
- تار، فتح اله؛ حنیفه زاده، لطیف. (۱۳۹۲). نقش خصوصی سازی و تغییر ساختار مالکیت بر کارایی شرکت های بیمه. مجلس و راهبرد، ۲۰(۷۵)، ۵-۲۴. <https://sid.ir/paper/224780/fa> SID.
- جلیل پور، پیمان؛ اسدنیاء، ابوالفضل؛ کوچک، آتوسا. (۱۳۹۵). امکان سنجی خصوصی سازی کتابخانه های دانشگاهی با استفاده از تحلیل SWOT مطالعه موردی کتابخانه های دانشگاه شهید چمران اهواز. مطالعات کتابداری و علم اطلاعات، ۸(۱۸)، ۱۴۳-۱۶۲. doi: 10.22055/sl.is.2017.12661

- رمضان، محمود بن (۱۳۹۱). *سیاست اجتماعی و توسعه تونس از زمان استقلال: دورنمای سیاسی*، در کتاب سیاست اجتماعی در خاورمیانه، مسعود کارشناس و والتین مقدم، ترجمه پیمان جبلی و علی اکبر تاج مزینانی، تهران، نشر دانشگاه امام صادق
- ستاری، س. (۱۳۸۹). *اقتصاد سیاسی خصوصی سازی در ایران معاصر: پژوهشی در ماهیت و علل اقتصادسیاسی توسعه نیافتگی خصوصی سازی در دوره پهلوی دوم و جمهوری اسلامی و تاثیر آن بر روند توسعه ایران*، دانشگاه تهران: رساله دکتری.
- سیف، احمد؛ ۲۰۲۱/۱/۲۱، *بلای خصوصی سازی*، نشریه اینترنتی نقد اقتصادسیاسی، قابل دسترس در <https://pecritique.com/2021/>
- عطااللهی، معصومه؛ کردلویی، حمیدرضا؛ صیقلی، محسن؛ رهنمای رودپشتی، فریدون. (۱۴۰۰). *بررسی روند خصوصی سازی شرکت های دولتی پس از انقلاب اسلامی بمنظور ارایه الگوی بهینه با رویکرد اختیار معامله حقیقی*. رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۵(۵۵)، ۳۴۹-۳۶۸.
- قریشی خوراسگانی، مریم سادات؛ یمنی دوزی سرخابی، محمد؛ ذاکر صالحی، غلامرضا؛ گلنار، مهران. (۱۳۹۶). *تحلیل محتوای مقالات حوزه خصوصی سازی آموزش عالی در مجلات علمی کشور*، نشریه سیاست علم و فناوری، سال نهم، شماره ۳، صص ۹۵-۶۱.
- محرم پور، غلامحسین؛ فهیمی، حمید. (۱۳۹۶). *بررسی تاثیر اجرای سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی بر قابلیت مالی شرکت های دولتی*، سیاست های راهبردی و کلان، شماره ۲۰، صص ۱۰۰-۸۰.
- مساعد، محمد. (۱۳۹۷). *زمستان خصوصی سازی*، روزنامه شرق شماره ۳۳۳۵، یکشنبه ۱۶ دی ۱۳۹۷.
- مومنی، ف. وحاجی میرزایی، ش. (۱۳۹۵). *اقتصاد سیاسی خصوصی سازی همراه با فساد*، پژوهش نامه اقتصادی، د ۱، ش ۶۷، صص ۲۵۲-۲۲۱.
- Ahmed, H. and Cohen, D.A. (2019). Stakeholder attributes and attitudes during privatisation: a New Zealand case study, *International Journal of Public Sector Management*, Vol. 32 No. 2, pp. 157-174.
- Al-Roubaiee Falah Ali. (2003). «Economic Development Between the State and the Private Sector [Online]» -<http://adelamer.catsh.info/vb/show.thread.php?t=4818>.
- Alston, P. (2018). *Extreme Poverty and Human Right*, United Nations.
- Battaglio R. Paul (2009), "Privatization and Citizen Preferences A Cross-National Analysis of Demand for Private Versus Public Provision of Services in Three Industries", *Administration & Society*, Volume 41 Number 1, pp. 38-66, Sage Publications.
- Baum DR, Cooper R, Lusk-Stover O. (2018). «Regulating market entry of low-cost private schools in education providers in Nigeria: A case of private primary education», *Journal of Global Educational Development*, 60: 100-112.
- Beesley, Micheal.E. (2005). "Privatization Regulation and Deregulation" 2nd, Edition, Published in Association with the Institution of Economic Affairs.

- Biygautane, M., & Clegg, S. (2024). Understanding the historical processes of privatization policies in North Africa: Lessons from the cases of Algeria, Morocco and Tunisia. *Journal of Infrastructure, Policy and Development*, 8(6), 3670.
- Bray, M. (2002). "The costs and financing of education: Trends and policy implications". Asian Development Bank and Comparative Education Research Centre, University of Hong Kong, Hong Kong, pp: 201-211.
- Brooks, Mary.R and Culinane, kavin .(2007). "Devolution Port Governance and Port Performance, Research in Transportation Economics"Volume 17-51, sever JA.
- Cruz-Martinez, G. (2024). Globalization and liberalization in social policy expansion: testing the compensation and efficiency hypotheses in Brazil. *Journal of Politics in Latin America*, 1866802X241233688.
- Dator, J. (1996). Futures Studies as Applied Knowledge (pp.105-115). In Richard Slaughter (Ed.): New Thinking for a New Millennium. Rutledge.
- Estrin ،Pelletier. (2018), Privatization in developing countries: what are the lessons of recent experience?. The World Bank Research Observer, 33(1), 65-102.
- Godet, M. (2008). Strategic Foresight La Prospective. Cahiers du LIPSOR, Paris.
- Goodman .John and Loveman Gary. (1991) Does Privatization Serve the Public Interest? On <https://hbr.org/1991/11/does-privatization-serve-the-public-interest>
- Goodwin G (2018) Rethinking the double movement: Expanding the frontiers of polanyian analysis in the global south. *Development and Change* 49(5): 1268–1290.
- Goodwin G (2024) The double movement in the Global South: Critiques, extensions, and new horizons. In: Cangiani M, Thomasberger C (eds) *The Routledge Handbook on Karl Polanyi*. London: Routledge, 335–348.
- Gordon, T. J. (2012). Cross-Impact Analysis, in Futures Research Methodology Version 3.0, American Council for the United Nations University: The Millennium Project.
- Gupta, Asha .(2000). Beyond Privatization, MacMilan Press LTD.
- Gustafson, T. F. & McLean, D. D. (2002). "Privatization and its Effects on Public Golf Employees". The Cyber Journal of Applied Leisure and Recreation Research, 25, 1-8.
- Hermann, Christoph. and Jorg Flecker .(2012). "Privatization of Public Services, Impacts for Employment, Working Conditions and Service Quality in Europe", First
- Megginson, W., & Netter, J. M. (2021). From state to market: A survey of empirical studies on privatization. *Journal of Economic Literature*, 34, 321–389. Published, New York: Routledge.
- Parker, E. (2024). Poverty Governance in the Delegated Welfare State: Privatization, Commodification, and the US Health Care Safety Net. *Social Problems*, spae037.
- Polanyi K .(1944). The Great Transformation. New York: Rinehart.
- Reinsberg, B;Kentikelenis, A;Stubbs King, L.(2019).The world system and the hollowing out of state capacity: how structural adjustment programs affect bureaucratic quality in developing countries. *American Journal of Sociology*, 124(4), 1222-1257.
- Rubin, A. (2013). Hidden, Inconsistent, and Influential: Images of the Future in Changing Times. *Futures*, 45: 538-544.
- Starr, Paul (1987). The Limits of Privatization, Proceedings of the Academy of Political Science, Vol. 36, No. 3, Prospects for Privatization (1987), pp. 124-137 (14 pages.)
- Tsai. T.H., Wan. C.C., & Chiou, J.R. (2016). "Can Privatization be a Catalyst for Environmental R&D and Result in a Cleaner Environment?". *Resource and Energy Economics*, 43: 1-13.
- Welch, D., & Fremond, O. (1998). The case-by-case approach to privatization: techniques and examples. The World Bank.

- Xing, M. & Tan, T. (2021). "Environmental Attitudes and Impacts of Privatization on R&D, Environment and Welfare in a Mixed Duopoly". *Economic Research*, 34(1): 807-827.
- Xiong, Z. V.(2024). Privatization Reform and Trade Liberalization in China: A Quantitative Analysis. <https://www.chinaces.org/Files/3055abstract/202401251847311910.pdf>.
-

